



ورقة الفردوس



مجموعه می تاریخ عهد اعلیٰ مخصوص نوجوانان - شماره ۷

کردآوری: م.م.م.

۱۷۷ بیع

حضرت عبدالبهاء دباره می ورقه الفردوس می فرمایند:

«شمس الضحی در این مین با امه الله ورقه الفردوس

(بی بی کوچک)، همشیره می جناب باب الباب، آشنا کشندوبه واسطه می

ورقه الفردوس ملاقات با جناب طاہره کردند و شب و روز در نهایت الفت و محبت و

مؤانست بودندوبه تبلیغ مشغول»

(تذکره الوفا؛ صفحه ۲۷۰)

فهرست

۲	فهرست.....
۳	فهرست تصاویر.....
۵	بی بی کوچک.....
۶	نور ایمان.....
۷	خدمت.....
۱۰	شهادت دو برادر و همسر.....
۱۲	حُسن خاتمه.....
۱۳	فهرست منابع.....

فهرست تصاویر

تصویر ۱- منزل جناب ملاحسین در بشرویه.....۷

تصویر ۲- نمونه دستخط جناب ملاحسین بشرویه از یکی از آثار حضرت

اعلی.....۹

بی بی کوچک

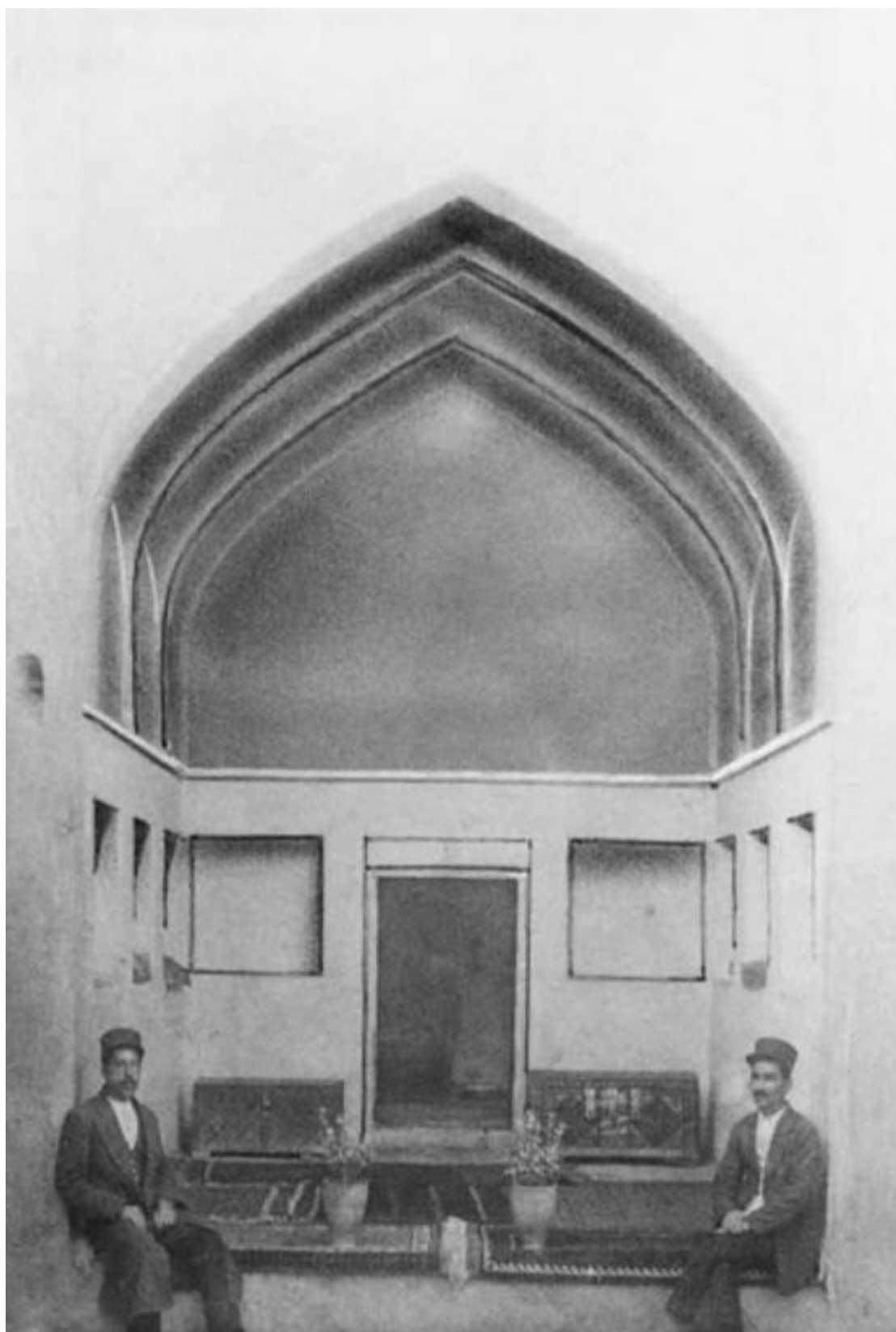
بی بی کوچک، خواهر ملاً حسین بشرویه‌ای، در بشرویه که یکی از روستاهای خراسان است به دنیا آمد. پدرش حاجی ملاً عبدالله صباغ، از پولداران و مالکان و مادرش دختر حاجی عبدالنّبی بود. مادر، بانویی فاضل و دانا و شاعر توانایی بود. در بین مردم به علم و فضل و تقوی معروف و مشهور بود. بی بی کوچک در کودکی خواندن و نوشتن فارسی را آموخت و بعداً به یادگیری زبان عربی پرداخت و با هوش و استعدادی که داشت در مدت زمان کمی، از همسالان خود پیشی گرفت. حضرت بهاءالله به بی بی کوچک، لقب ورقة الفردوس ۱ را دادند.

زمانی که جناب ملاً حسین برای تحصیل به کربلا رفت تا در مجلس درس سید کاظم رشتی شرکت کند، ورقة الفردوس و مادرش هم به همراه وی عازم کربلا شدند و در آن شهر اقامت کردند. شیخ ابوتراب اشتهاردی که از شاگردان برجسته‌ی سید کاظم رشتی بود، از ورقة الفردوس خواستگاری کرد و با او ازدواج نمود. این اتفاق باعث شد که ورقة الفردوس در کربلا ماندگار شود. در کربلا به همراه مادر و دیگر بانوان، خارج از جلسه‌ی مردان به سخنان سید کاظم رشتی گوش می‌داد و از علم استاد استفاده می‌کرد.

نور ایمان

ورقة الفردوس و مادرش، پس از وفات سید کاظم رشتی، در جلسات درس جناب طاهره، در کربلا شرکت و از علم و ادب ایشان استفاده می کردند. وی در همین زمان به امر مبارک مؤمن شد. ورقة الفردوس به خاطر همنشینی با همسر خود که مردی فاضل و از بزرگان بود، علم زیادی کسب کرد. همچنین با شرکت در جلسات درس جناب طاهره و زیارت آثار حضرت باب به دانش خود اضافه نمود.

مدت زیادی طول نکشید که علما و مردم کربلا بر ضدّ دیانت بابی شورش کردند. در نتیجه‌ی این آشوب، سلطان عثمانی دستور داد که جناب طاهره و دیگر اصحاب از کربلا به بغداد بروند. ورقة الفردوس و مادرشان نیز در این سفر، جناب طاهره را همراهی کردند. در آنجا نیز بار دیگر دشمنان علیه امر فتنه کردند و باعث شدند جناب طاهره و یاران از بغداد اخراج شوند و به سمت ایران بیایند. ورقة الفردوس نیز به همراه همسر و مادر، در این سفر با جناب طاهره راهی شد.



منزل جناب ملا حسین در بشرویه

تصویر ۱- منزل جناب ملاحسین در بشرویه

خدمت

ورقة الفردوس و همراهانشان در بین راه مورد آزار ظالمان قرار گرفتند و صدمات بسیاری کشیدند و رنج زیادی را متحمل شدند. بعد از مدتی که در قزوین و طهران توقّف کردند؛ به خراسان رفته؛ در مشهد اقامت گزیدند.

در مشهد، در محضر برادر عزیزش، جناب ملا حسین، کسب فیض و علم نمود و پیش از پیش بر ایمان و ایقانش افزوده شد. پس از عزیمت جناب ملا حسین و برادرش به سمت قلعه‌ی شیخ طبرسی، ایشان دست از فعالیت برداشت و سؤالات و مشکلات افرادی را که مایل به اطلاع در مورد امر حضرت باب بودند؛ پاسخ می‌گفت و آنها را به راه حق هدایت می‌نمود.

ورقة الفردوس در مشهد با بانوان زیادی به دوستی و مؤانست^۲ پرداخت که باعث شد عده‌ی زیادی به امر مبارک، مؤمن شوند. شب و روز تلاش می‌کرد تا کودکان را تعلیم و تربیت نماید. از این رو، جلسات درس اخلاق تشکیل داد و با جدیت تمام، وقت خود را صرف تربیت اطفال نمود.

^۲ - مؤانست: آشنایی، الفت.

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي ينزل الكتاب على من يشاء من عباده وانزل الله الامور
 لغزيبك وانزل الكتاب لاربيب نبيه قد فضل في حكم ما بين القران
 تنزيلين لله على حكيم وان خلقت الكتاب حجة من بقاء الله
 لا يفرج من عرشه وله ما في السموات وما في الارض وان المؤمنين
 في حكم الكتاب لا خاشعون ان الله باهل القران ثم اعلموا
 ان حجة الله بالقران عليكم بعد ما سمعتم ان من الله علينا حكام و
 لقد ارسلنا اليكم من قبل كتابا فيه آيات بينات من لدنا لنؤمن بؤمنون
 وانزل الكتاب فليترك في حكم ما بين القران من لدنا على صراط قويم
 ما ينزل الله الا كراما كرامة الشريك فتوفى بحكم الله يوم القيمة بليكم
 بالعدل فومئذ لن تجدوا الافسسكم من وراء الظهور ولقد كفر الذين
 من قبلكم باياتنا فاخذناهم بما كسبت ايديهم على غير الحق جزاء مما كانوا

نمونه خط جناب ملا حسين
 از یکی از آثار حضرت اعلى

تصویر ۲ - نمونه دستخط جناب ملا حسین بشرویه از یکی از آثار حضرت اعلى

شهادت دو برادر و همسر

زمانی که خبر شهادت جناب ملاً حسین در قلعه به گوش خواهر و مادر ایشان رسید، آنها گریه و زاری نکردند؛ بلکه شاکر و راضی برایش دعا نمودند. طولی نکشید که خبر شهادت آن برادر دیگر، میرزا محمدحسن را هم شنیدند و بار دیگر خواهر و مادر ملاً حسین دست به دعا برداشتند. مادرشان حتی اشعاری در قالب قصیده می‌سرود و به واسطه‌ی آن، زبان به شکرانه‌ی حق می‌گشود.

همچنین همسر ایشان، شیخ ابوتراب، در طهران به دست دشمنان، اسیر شد و در سیاه‌چال طهران زندانی گشت. شیخ ابوتراب، بعد از دو سال در همان زندان به جهان جاودان شتافت و ورقه‌الفردوس را تنها گذاشت.

ورقه‌الفردوس بعد از مدتی به همراه مادر خود به بشرویه رفت و در منزل پدری سکونت گزید. دوباره به تشکیل اجتماعات و مجالس درس برای بانوان پرداخت. وی همچنین جلسات تبلیغی برگزار نمود. اطفال را جمع کرد و برنامه‌های تربیتی برایشان ترتیب داد.

از جمله خدمات باارزش ورقه‌الفردوس، سرکشی به خانواده‌های شهدا و دیدار آنها بود که بیش از چهل خانواده بودند. نیازهای آنها را رفع می‌کرد و از آنها دلجویی می‌نمود.

بعد از مدتی مادر ایشان نیز وفات کرد و ورقه‌الفردوس تنهای تنها شد؛ ولی ورقه‌الفردوس ابداً ناامید و دلسرد نشد و از فعالیت بازنماند؛ بلکه خدمات خود را بیشتر کرد.

دشمنان امر، ورقه‌الفردوس را رها نکردند و در غیاب همسر و برادرانش، به آزار و اذیت وی پرداختند. آقا سید حسن بشرویه فتوی^۳ داد به خانه‌ی ورقه‌الفردوس حمله کنند. تعدادی زیادی از مردان به خانه‌ی پدری ایشان ریختند و آن خانه را ویران کردند. با این عمل وحشیانه، ساکنان آن خانه، بی‌خانمان و دربه‌در شدند. پس به همراه بستگان خود، سه ماه در قلعه‌ی خرابه‌ای که «پچو» نام داشت، بدون آذوقه و بالاپوش به سر بردند. دوستان و آشنایان، در سیاهی شب که همه در خواب بودند، مخفیانه برایشان غذا می‌بردند. پس از سه ماه بی‌خانمانی، عازم مشهد شدند؛ ولی طولی نکشید که حضرت بهاء‌الله به او دستور دادند که به عشق‌آباد برود.

ورقه‌الفردوس طبق دستور مبارک به عشق‌آباد رفت که در آن زمان محل مناسبی جهت پناه بهائیان ستم‌دیده‌ی ایران بود. در آنجا نیز تا جایی که قدرت و توان داشت به تبلیغ پرداخت و در همان شهر به ملکوت ابهی صعود نمود.

^۳ - فتوی: حکم و رأی مجتهد دینی

حُسن خاتمه

صفت بارز و مشخص ایشان انقطاع بود. نقل می‌کنند زمانی که ورقه‌الفردوس، همسرش را در طهران ملاقات کرد و همسر وی از او عذرخواهی کرد که در زندگی‌شان نتوانسته اسباب راحت ایشان را تأمین کند؛ ورقه‌الفردوس با ادب و خضوع رفتار کرد و اصلاً اظهار ننمود که به چیزی احتیاج دارد؛ درحالی‌که به‌جز یک پیراهن کهنه، چیزی در تن نداشت.

خانم فروغ ارباب، نویسنده کتاب «اختران تابان» درباره‌ی صفات ورقه‌الفردوس چنین می‌نویسد:

«ورقه‌الفردوس در صفات ممتاز و اخلاق پسندیده، معلّم و مربی همگان بود. او از افراد خانواده‌ای بود که برادرانش در عرصه‌ی^۴ محبّت و جانبازی گوی سعادت را در میدان مجاهدت^۵ ربوده بودند و مادر هم با ادراکی فوق‌العاده و با طبع روانی که داشت؛ چون ستاره‌ی درخشان، قلوب ستمدیدگان را روشن می‌ساخت. آن بازمانده‌ی فدائیان کوی یار، چون کوهی استوار، مصائب و متاعب^۶ را تحمل نمود و مورد رضای خاطر جمال مبارک شد.»

۴ - عرصه: میدان

۵ - مجاهدت: جهد و کوشش نمودن در راه خدا

۶ - مصائب و متاعب: سختی‌ها و رنج‌ها

فهرست منابع

- ارباب، فروغ؛ اختران تابان، جلد دوم؛ دهلی نو (هندوستان): مؤسسه چاپ و انتشارات مرآت؛ چاپ سوم، ۱۵۶ بدیع (۱۹۹۹ میلادی).

ورقه الفردوس در صفات ممتازه و اخلاق پسندیده معلم و مربی، همگان بود.

او از افراد خانواده‌ای بود که برادرانش در عرصه محبت و جانبازی

کوی سعادت را در میدان مجاهدت ربوده بودند.